

دانش و فرهنگ بین اتریش و ایران

مقاله حاضر دربارهٔ وجوه مختلف زندگی و فعالیتهای میان فرهنگی^۱ «یاکوب ادوارد پولاک»^۲ (۱۸۱۸ - ۱۸۹۱) پزشک، پژوهشگر علوم طبیعی و صاحب‌نظر امور ایران است. تاریخ آغاز تجدد^۳ ایران در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی ارتباط تنگاتنگی با تأسیس دارالفنون دارد که در سال ۱۸۵۱ توسط میرزا محمد تقی خان فراهانی (امیرکبیر) در تهران آغاز به کار کرد. دارالفنون اولین موسسه غیرمذهبی تحصیلات عالی در ایران بود و تا مدتها نیز مشابهی نداشت. به محصلین دارالفنون که اغلب از طبقه اشراف بودند، دروس فنی، علمی، آموزشهای نظامی و همچنین مباحثی نظیر زبانهای خارجه، علوم سیاسی، پزشکی و موسیقی ارائه می‌شد. تدریس، اغلب توسط معلمهای اروپایی و با کمک مترجمها صورت می‌گرفت. اولین کتابهای فارسی به شیوه مدرن در دارالفنون چاپ شدند که از جمله آنها می‌توان به درس‌نامه‌هایی در زمینه پزشکی و علوم نظامی اشاره کرد. در همین دوره بود که امیرکبیر اولین روزنامه رسمی ایران (وقایع اتفاقیه) را منتشر ساخت.

پیش از گشایش دارالفنون، امیرکبیر (صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار) نماینده

1. Intercultural

2. Jacob Eduard Polak

3. Modernization

ویژه‌ای را که داوودخان (جان داوود) نام داشت، به وین فرستاد تا تعدادی معلم و مربی آموزش نظامی به استخدام درآورد. داوودخان یکی از اعضای ارمنی تبار وزارت امور خارجه ایران بود. او همچنین در سمت مترجم هیأت نمایندگی سن پترزبورگ نیز فعالیت می‌کرد. از همه مهم‌تر این‌که همسر وی «امیلی فون اشلشتا و سرد»^۱ دختر «بارون فون اشلشتا» رئیس سازمان امور مالی اتریش بود و برادر همسرش که «آگتکار فون اشلشتا» نام داشت ایران شناس و مترجم مشهوری محسوب می‌شد و از دانشکده شرق‌شناسی وین فارغ‌التحصیل شده بود.

پیشینه کهن مناسبت سیاسی و اقتصادی اتریش و ایران به قرن شانزدهم میلادی باز می‌گردد. دوره‌ای که خاندان هابسبورگ برای جنگ بر علیه امپراطوری عثمانی با صفویان پیمانی منعقد کرد تا هر دو طرف با عثمانیان وارد جنگ شوند. نتیجه این اتحاد به دلیل سرنوشت ناپایدار سیاسی موفقیت‌آمیز نبود. بنابراین آغاز روابط متقابل دولتهای اتریش و ایران تا نیمه دوم قرن نوزدهم به تعویق افتاد.

«هنریش بارب»^۲ ایران شناس و زبان‌شناسی که در وین ریاست دانشکده شرق‌شناسی اتریش را بر عهده داشت و عضو هیأت مشاورین سلطنتی نیز بود، به همراه داوودخان برای دارالفنون معلم و مربی انتخاب کرد. او شش نفر از افراد با صلاحیت را برای تدریس در دارالفنون نظر گرفت که چهار نفرشان از اعضای ارتش بودند: سروان «گومونس»^۳ و سروان «زاتی»^۴ و ستوان یکم «کرشیش»^۵ و ستوان یکم «نمیرو»^۶، دو نفر دیگر غیرنظامی بودند: یک نفر معدن شناس به نام «زارنوتا»^۷ و یاکوب ادوارد پولاک که پزشک و جراح بود. هر یک از این شش نفر برای کار در دارالفنون قرارداد شش ساله‌ای امضا کردند و به موجب آن در دارالفنون استخدام شدند. اولین هیأت اتریشی اعزامی به ایران وجهه ویژه‌ای داشت، چرا که هیأت دولتی محسوب نمی‌شد؛ دولت اتریش نمی‌خواست هیچ گونه شبهه‌ای مبنی بر اینکه در ایران به دنبال اهداف سیاسی است بوجود آید تا به این ترتیب از ایجاد هر گونه اختلاف با روسیه و انگلستان اجتناب ورزد. بنابراین معلمان و مربیان اتریشی از مناصب دولتی خود استعفا دادند و به عنوان اشخاص عادی به ایران آمدند.

1. Emilie von Schlechta - Wssehrd

2. Heinrich Barb

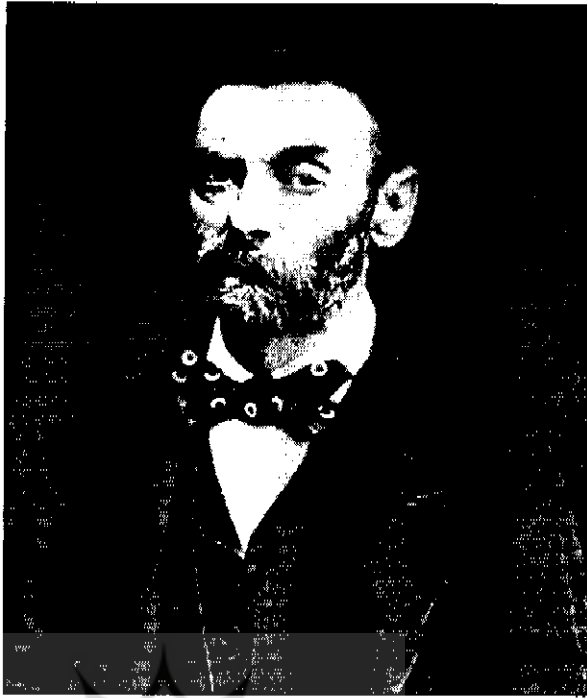
3. Gumoens

4. Zatti

5. Krziz

6. Nemiro

7. Szarnotta



● یاکوب ادوارد پولاک

مشهورترین فرد این گروه پزشکی بود که یاکوب پولاک نام داشت. او در سال ۱۸۱۸ در خانواده‌ای یهودی در گروس مورشین^۱ از نواحی بوهم متولد شد. در مورد دوران کودکی و جوانی وی در حال حاضر اطلاعاتی در دست نداریم. اما می‌دانیم که پولاک فلسفه و پزشکی را در پراگ خواند و در ماه می سال ۱۸۴۶ در وین، مدرک دکترای پزشکی گرفت. او یک سال در بیمارستان سلطنتی وین مشغول بکار بود، پس از آن به عنوان پزشک کارخانه قند و شکر در ناحیه «موراوی»^۲ زندگی می‌کرد اما از آنجایی که تنگ‌نظری مسئولان را تاب نمی‌آورد، پس از دو سال مجدداً به وین بازگشت و به جراحی و مطالعه علوم طبیعی مشغول شد.

پولاک در سال ۱۸۵۱ برای اعزام به ایران داوطلب شد و در همان سال با پنج تن از هموطنانش به تهران وارد شد، جایی که اوضاع سیاسی‌اش تغییر یافته بود؛ امیرکبیر توسط ناصرالدین شاه عزل و به کاشان تبعید شده بود، او را چندی بعد در همان شهر به قتل رساندند.

یاکوب ادوارد پولاک ابتدا به عنوان معلم پزشکی و جراحی در دارالفنون منصوب شد. او مؤسس مدرسه طب مدرن (مدرسه طب) بود. این مدرسه بعدها تبدیل به

1. Groß-Morzin

2. Moravia

مندا

کتابِ کجراچی

مستملک کی وجہ سے ایک سالہ

کالی ۵

انتر صانیف علیا لیاہ کی کتب پلاننگ

سابقہ معلم سید علی القنوی خاں حکیم پور

خاصہ اعلیٰ حضرت شاہ مساجد کتب خانہ

ناصر الذہبی نے سید علی خاں کے شاگردوں کی طرف سے

کاغذی نسخہ لیا ہے۔ اس کاغذی نسخہ کی تصحیح

ہوئی

دانشکده پزشکی شد و جایگزین دارالفنون گردید. دانشکده پزشکی جزو یکی از شش دانشکده اصلی دانشگاه تهران بود که در سال ۱۹۳۴ تأسیس شد. تدریس رشته پزشکی مدرن در دارالفنون از دسامبر ۱۸۵۱ آغاز شد. پیش از این تاریخ تدریس طب مدرن در ایران به آموزشهای خصوصی محدود می‌شد که توسط پزشکان مستقل اروپایی و بخصوص «لوئیس آندره ارنست کلوکه»^۱ (۱۸۱۸ - ۱۸۵۵) که پزشکی فرانسوی بود، صورت می‌گرفت. کلوکه، پزشک مخصوص محمد شاه و سپس ناصرالدین شاه بود. مدت کوتاهی پیش از تأسیس دارالفنون، ناصرالدین شاه به وی دستور داده بود که جراحی را به چند نفر آموزش خصوصی دهد.

یاکوب ادوارد پولاک رویهم بیست و دو نفر دانش‌آموز داشت. او به زبان فرانسه درس می‌داد و مترجمی به نام محمد حسین خان قاجار آنچه او می‌گفت را ترجمه می‌کرد. پس از مدتی پولاک متوجه شد عدم کفایت مترجم باعث تحریف مطالبی می‌شود که او تدریس می‌کند. به همین دلیل یادگیری زبان فارسی را آغاز نمود و از کتابهایی که درباره طب سنتی ایران بودند اطلاعاتی کسب کرد. او پس از گذشت چند ماه توانست به زبان فارسی صحبت کند. پولاک با همراهی چند تن از دانشجویانش که با طب ایرانی آشنایی داشتند امکان یافت تا چندین رساله به زبان فارسی ارائه کند و برای اصطلاحات پزشکی که به زبان فرانسه یا لاتین بودند، معادل‌های دقیقی در فارسی و عربی بیابد که خلاصه‌ای از همه آنها را در کتابی با عنوان لغتنامه طب آورده است. این اثر اولین درس‌نامه پزشکی دارالفنون محسوب می‌شد. اولین درس‌نامه پزشکی که در ایران درباره کالبدشناسی به طبع رسیده نیز توسط پولاک نوشته شده است. او درس‌نامه دیگری نیز درباره جراحی نوشت که مبحث جراحی چشم را نیز شامل می‌شد.

از جمله تمرین‌های ویژه‌ای که پولاک آن را برای دانش‌آموزان رده‌های بالاتر رایج کرد، کار در درمانگاه سربایی بود که در دارالفنون ایجاد شده بود. آنها می‌بایست بیماران را تحت نظارت وی معاینه کرده و سپس برایشان درمان تجویز می‌کردند. پولاک ترتیبی داد تا فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی در بیمارستان ارتش دوره عملی ببینند، این بیمارستان به پیشنهاد و پیگیری مصرانه وی، توسط دولت احداث شده بود و خارج از دیوارهای شهر قرار داشت. او اولین پزشکی بود که عمل جراحی سنگ مثانه را با موفقیت انجام داد و برای اولین بار در تاریخ ایران به کالبد شکافی دست زد. نمونه کالبد شکافی، جسد مربی اتریشی، سروان زاتی بود که علت مرگش به لحاظ پزشکی و

1. Louis-André-Ernest Cloquet



● دکتر افسانه گشتر (جلیل زاده) - عکس از علی دهباشی

حقوقی مبهم مانده بود. همچنین پولاک در ایران اولین کسی بود که عمل جراحی را در حین بیهوشی کامل بیمار انجام داد.

وی از بعضی از دانش آموزانش می‌خواست که در انجام عمل‌های خاص جراحی نیز دستیارش باشند و در حین کار وظایفی را هم به عهده آنها می‌گذاشت. پولاک موفق شد مقامات ایران را متقاعد سازد که بهترین فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون در رشته پزشکی را به پاریس بفرستند تا تحصیلات خود را تکمیل کنند. بسیاری از این محصلین بعدها در پزشکی مدرن ایران از جایگاه مهمی برخوردار شدند.

علاوه بر اینها او زراعت و پرورش چغندر قند را نیز در ایران معرفی کرد. بنا بر گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، بذر چغندر قند را برای اولین بار پولاک به ایران آورد. پس از مرگ دکتر کلوکه در سال ۱۸۵۵، پولاک از سوی دربار ناصرالدین شاه به عنوان پزشک وی انتخاب شد. او همزمان مدیریت بخش آموزش طب و داروسازی مدرسه دارالفنون را نیز بر عهده داشت. بنابراین مسئولیتش مضاعف شده بود. از آنجایی که پولاک می‌بایست در سفرهای متعدد شاه به اقصی نقاط کشور به عنوان پزشک مخصوص او را همراهی می‌کرد، پزشکی هلندی به نام «ژوهان لوئیس شلیمر»^۱ را معرفی کرد تا در

1. Johann Louis Schlummer

هُدَاكَ فِي تَرْجُومَةِ
مِنْ تَلْفِظَاتِكَ لِيُؤَلِّكَ

حَكِيمِ طَبِّ جَبْرَ حَمِيدٍ رَسِيدٍ وَنَسَائِقِ تَقْنِ
مَرْضِي خَانِهِ شَهْرٍ مَذْكُورٍ وَحَالِ مَعْلَمِ مَدِينَةٍ
عَالِمِ الْفَنُونِ

پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رسالہ جامع علوم انسانی

کے عہد کی کتابتاً ایجا کہن انکا کہتی پناہ
ابو الفتح کی ناصرتی لیسنا فاجا خلدتہ ویکہ
تالیف کی

سمت نایب او منصوب شود. زمانی که در دربار حضور می‌یافت نیز به ناصرالدین شاه، تاریخ، جغرافیا و زبان فرانسه می‌آموخت و به این ترتیب بین پادشاه و پزشک اتریشی، رشته‌ای از اعتماد و دوستی پدید آمد. ناصرالدین شاه که از استعداد نقاشی برخوردار بود، چهره‌ای از پولاک را در دربار نقاشی کرده است.

یاکوب پولاک ایران را در سال ۱۸۶۰ ترک کرد. او مرد فعالی بود. طی اقامت سه ساله‌اش در ایران به نقاط مختلفی از این کشور سفر کرد. او مشاهدات و تجربیاتش را دربارهٔ جامعه، سنتها و رسوم ایران در کتابها و مقالات گوناگونی به رشته تحریر درآورد و در اتریش منتشر ساخت. سفرنامه پولاک که ایران و ایرانیان^۱ نام دارد و در واقع مردم‌نگاری تفسیری است، حاوی توصیفات فوق‌العاده‌ای دربارهٔ زندگی و فرهنگ ایرانیان است و واقعیتهای جالب توجه و چشم‌اندازهای جامعه ایران را در آغاز عصر مدرن نشان می‌دهد. این کتاب در سال ۱۹۸۲ به فارسی ترجمه شده است.^۲

شخصیت یاکوب پولاک ابعاد مختلفی داشت. او پس از بازگشت به وین، نتیجه فعالیت‌هایش را در قالب تحقیقات علمی کاربردی ارائه کرد. وی از ایران نمونه‌هایی را نیز برای مطالعه به همراه خود آورده بود که از لحاظ علمی اهمیت زیادی داشتند و شامل گیاهان، سنگها و یافته‌های ماقبل تاریخ می‌شدند. پولاک حرفه طبابت را در بیمارستان عمومی شهر وین دنبال می‌کرد ولی همچنان فعالیت خود را به عنوان مذاکره‌کننده بین اتریش و ایران ادامه می‌داد و به این امر توجه خاصی داشت.

اجازه دهید به جمع‌بندی دست آوردهایی پیردازیم که پولاک در وین ارائه کرد:

در زمینه پزشکی و خط مشی بهداشت:

پولاک در دوره کار و تدریس در ایران، با بیماریهای مختلفی سروکار داشت. او اطلاعاتی که دربارهٔ وضعیت بهداشت در ایران و بیماریهای واگیردار بخصوص بیماری وبا بدست آورده بود را منتشر ساخت. بخاطر تجربیاتی که او در زمینه بیماریهای مختلف بدست آورده بود، دولت اتریش وظایف متعددی را در این زمینه بر عهده وی گذاشت. به عنوان مثال او را در سال ۱۸۶۶ برای شرکت در کمیسیون بین‌المللی وبا به قسطنطنیه فرستادند. در سال ۱۸۷۴ پولاک به عنوان نماینده ایران در کنگره بیماریهای واگیردار در وین شرکت کرد. وی همچنین پیشنهادهایی را برای بالا بردن سطح استاندارد

۱. Persien das Land und seine Bewohner Ethnographische Schilderungen

۲. سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، چاپ اول ۱۳۶۱، تهران.

سلامت در اتریش به دولت این کشور ارائه داد.

در زمینه تدابیر سیاسی و خط مشی تجاری:

در سال ۱۸۷۳ در وین نمایشگاه بین‌المللی برگزار شد. یک سال قبل از آن، پولاک برای شرکت دادن ایران در این نمایشگاه کمیته‌ای تأسیس کرد. این کمیته حتی موفق شد امپراتور اتریش «فرانس جوزف اول» را به ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی دائم با ایران ترغیب کند. ابتدا بنا بود «اتکا فون اشلشتا و سرد» به عنوان سفیر اتریش در ایران منصوب گردد ولی او این سمت را نپذیرفت. بنابراین «ویکتور گراف دوپسکی» برای این سمت انتخاب شد. وی در سال ۱۸۷۲ به تهران وارد شد و به این ترتیب روابط دائم دولتهای اتریش و ایران آغاز گشت.

پولاک به عنوان نماینده ایران در هیأت رئیسه نمایشگاه وین انتخاب شده بود. او درباره شرکت ایران در این نمایشگاه بروشوری تهیه کرد که به زبان فارسی ترجمه شد و در وین انتشار یافت. پولاک این بروشور را به ایران فرستاد تا در روزنامه دولتی وقایع اتفاقیه نیز چاپ شود.

پس از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی، پولاک با موزه شرق در وین همکاری می‌کرد. موزه شرق در سال ۱۸۷۵ تأسیس شد و مدتی بعد به موزه سلطنتی تجارت^۱ تغییر نام یافت. هدف از تأسیس این موزه، بازاریابی برای صنایع اتریش در مناطق آسیایی بود. موزه شرق برای مطلع ساختن علاقمندان نشریه‌ای نیز منتشر می‌کرد که ماهنامه اتریش درباره مشرق زمین^۲ نام داشت. در این نشریه پولاک مقالاتی درباره فرهنگ و اقتصاد ایران نوشت. علاوه بر اینها سخنرانیهایی نیز درباره جامعه و ادیان ایرانی ارائه کرد.

در زمینه مؤسسات اداری:

پولاک علاوه بر اینکه کارشناسی خیره بود و به دولت اتریش و سازمانهای مختلف مشاوره ارائه می‌داد، معتمدترین فرد دربار ناصرالدین شاه نیز محسوب می‌شد. ناصرالدین شاه به عنوان مهمان رسمی دولت اتریش در نمایشگاه بین‌المللی وین شرکت کرد. بنا بر درخواست دولت ایران، دو نفر متخصص برای نوسازی ساختار مؤسسات اداری از اتریش به تهران اعزام شدند. در سال ۱۸۷۴ «گوستاو ریدرر»^۳ و «فرانس پخان»^۴

1. Imperial Trade Museum
3. Gustav Riederer

2. Österreichische Monatsschrift für den Orient

Persien.

Das Land und seine Bewohner.

Ethnographische Schilderungen

von

Dr. Jakob Eduard Polak,

ehemaligem Leibarzt des Schah von Persien und Lehrer an der medicinischen Schule
zu Teheran.

193

Erster Theil.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



Leipzig:

F. W. Brockhaus.

1865.

به ایران سفر کردند تا به اصلاح نظام اداری پست و ضرابخانه بپردازند، تمبرهای پستی ایران نیز تا چندین سال در وین چاپ می‌شد. در سال ۱۸۸۰ شخصی به نام «کارل وایس فرایهر فون تویفن اشتاین»^۵ در ایران مسئول اصلاح امور مالی و اداری شد، او برای اولین بار استفاده از تمبر دولتی را که اتریشیها ابداع کرده بودند، در نظام اداری ایران رواج داد.

در زمینه علوم طبیعی:

در سال ۱۸۷۳ پولاک «امیل تیتزس»^۶ را برای سرپرستی مطالعات زمین‌شناسی در ایران معرفی کرد. پولاک یک بار دیگر نیز در سال ۱۸۸۲ به ایران سفر کرد و به همدان، در مناطق غربی ایران رفت. او این بار هم به نتایج علمی چشمگیری دست یافت و موفق شد بازمانده‌های تعدادی سنگواره را در آذربایجان کشف کند و در نواحی البرز نیز به اکتشاف بپردازد. پولاک در وین با انجمن سلطنتی جغرافیا همکاری داشت. برخی از مجموعه‌های او امروزه نیز در موزه تاریخ طبیعی وین یافت می‌شود. پولاک تعدادی از گیاهان کمیاب را نیز از ایران با خود به اتریش برد تا در آنجا پرورش دهد.

در زمینه زبان و ادبیات فارسی:

سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۰ آخرین سالهای عمر پولاک بودند، در آن دوره وی بیشتر وقت خود را در دانشگاه وین صرف تدریس زبان و ادبیات فارسی (بخصوص آثار سعدی) می‌کرد. او همچنین یک لغتنامه محاوره نوشت که پس از مرگش منتشر شد. در نهایت اینکه کار و زندگی میان فرهنگی پولاک، با انتشار لغتنامه پزشکی دارالفنون آغاز شد و با نوشتن لغتنامه آلمانی - فارسی به پایان رسید. یاکوب پولاک سرانجام پس از زندگی‌ای پر بار در سال ۱۸۹۱ در وین از دنیا رفت. او در سال ۱۸۵۱ به ایران آمد. اگرچه نماینده دولت اتریش نبود، اما راه انتقال دانش و فرهنگ را در نیمه دوم قرن نوزدهم، بین این دو کشور هموار ساخت. از این رو می‌بایست زندگی و دستاوردهای او را که هنوز به ارزش خود باقی است، همواره بخاطر سپرد.

4. Franz Pechan

5. Carl weiß Freiherr von Teufenstein

6. Emil Tietze